



معرفی اجمالی زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی و کاربردهای آن

پدیدآورده (ها) : صبری، مژگان؛ استاجی، اعظم؛ الیاسی، محمود
ادبیات و زبانها :: زبان کاوی :: پاییز و زمستان 1396 - شماره 5
از 83 تا 96

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1390176>

دانلود شده توسط : اعظم استاجی

تاریخ دانلود : 17/10/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

معرفی اجمالی زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی و کاربردهای آن

مژگان صبری^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پردیس بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

اعظم استاجی^۲

عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

محمد الیاسی^۳

عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۳ تاریخ اصلاحات: ۹۶/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱۴)

چکیده

در مقاله حاضر به روش توصیفی، حوزه بیtarشته‌ای زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی معرفی شده است. این حوزه علمی، از «زبان‌شناسی کاربردی» منشعب گردیده است. متخصصان در حوزه زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی، با مینا قراردادن «زبان ارتباطی» به عنوان پایه تحقیقات علمی، از نظریه‌ها و رویکردهای سه حوزه زبان‌شناسی، حقوق و جامعه‌شناسی برای تحلیل «گفتمان‌های حقوقی» استفاده می‌نمایند و معتقدند که یافته‌های حوزه علمی «زبان‌شناسی اجتماعی» به موضوعات مطروحه در بافت حقوقی کمک می‌کند و روند حقوقی رسیدگی به پرونده‌های قضائی را سرعت می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی کاربردی، زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی، زبان ارتباطی، گفتمان حقوقی

۱- مقدمه

در چند دهه اخیر در کشورهای اروپائی و امریکا بررسی زبان به صورت‌های گفتاری، شنیداری، نوشتاری و نشانه‌ای که در دادگاهها بعنوان اختلافات قضائی مطرح می‌گردد، توسط کارشناسان و متخصصان تحت عنوان «زبان‌شناسان حقوقی»^۴ انجام می‌گیرد. آنان از یافته‌های حوزه‌های علمی زبان‌شناسی، حقوق و لابراتوارهای آواشناسی برای عملیاتی از قبیل تشخیص صدا، شناسائی ویژگی‌های آوایی، گویش‌شناسی و بررسی دیگر ویژگی‌های گفتار فرد استفاده می‌کنند.

^۱ رایانامه: sabri@stu.um.ac.ir

^۲ نویسنده مسئول. رایانامه: estaji@um.ac.ir

^۳ رایانامه: elyasim@um.ac.ir

⁴ Forensic linguists

متن ذیل، ترجمهٔ بخشی از مقالهٔ تیم گرانت (۲۰۱۳) از مرکز زبان‌شناسی حقوقی دانشگاه آستون^۱ است:

«هرگونه استفاده از زبان حقوقی، از توافقنامه گرفته تا متن وصیت‌نامه یک اثر زبانی عجایب‌انگیز به حساب می‌آید؛ چرا که پیچیده و مشکل برای دادخواهی است. زبان‌شناسان عمدهاً به پیچیدگی‌های زبان حقوقی و آنچه که مرتبط با آن است علاقه‌مندند. زبان‌شناسان حقوقی با یادگیری مهارت‌های خاص پیرامون موضوعات قضائی و زبانی می‌توانند نقش مهمی را در سیستم قضائی پیرامون موضوعات مرتبط با تجزیهٔ زبانی ایفا نمایند».

از فعال‌ترین تشکل‌ها در این حوزه علمی می‌توان از دو انجمن بین‌المللی تحت عنوان «انجمن بین‌المللی زبان‌شناسان حقوقی»^۲ و «انجمن بین‌المللی آواشناسان حقوقی»^۳ و مجلهٔ تخصصی «ژورنال زبان‌شناسی حقوقی»^۴ یاد کرد که حداقل سه کنفرانس بین‌المللی در سال برگزار می‌نمایند. در این کنفرانس‌ها، نهادهای مرتبط با فعالیت‌های پلیسی و انتظامی، حقوقی و جرم‌شناسی و متخصصانی تحت عنوان «زبان‌شناسان حقوقی» گرد هم می‌آیند و پیرامون یافتن راهکارهای عینی و قابل اثبات برای کشف جرائم، براساس تجزیه و تحلیل عناصر زبانی، به تبادل نظر می‌پردازند. از شارحان غربی فعال در این حوزه نیز می‌توان راجر شای، پیتر تیرسما، جان گیبوونز، جان اولسن و ملکلم کلتارد را نام برد که در دهه ۹۰ میلادی با بررسی تعداد کثیری از پرونده‌های ارجاع شده به دادگاه‌های آمریکا و اروپا به این نتیجه رسیدند که با استناد به شواهد زبانی و رویکردهای زبان‌شناسی، می‌توان در کشف حقایق، گره‌گشای بسیاری از مشکلات دستگاه قضاء بود. اولسن (۲۰۰۸) معتقد است زبان‌شناسان به این امر واقعند که ضروری است آنان و حقوق‌دانان برای فهم بهتر نظرات و دیدگاه‌های یکدیگر تلاش نمایند. با همکاری این دو گروه، بسیاری از پرونده‌های قضائی می‌تواند به کشف حقیقت منجر شود. در کشور ایران نیز زبان‌شناسان علاقه و توجه خود را به این حوزه علمی نشان دادند و آن را تحت عنوان «زبان‌شناسی حقوقی»، «زبان‌شناسی قانونی» و «زبان‌شناسی قضائی» معرفی نمودند. استاجی (۱۳۸۳) با ترجمهٔ مقاله‌ای از شای (۲۰۰۱) در شماره‌های ۴۸ و ۴۹ مجلهٔ حقوقی دادگستری، این حوزه علمی را به جامعه علمی ایران معرفی نمود. در این مقاله حوزه «forensic linguistics» چنین تعریف شده است:

^۱ Tim Gront, "Centre for Forensic Linguistics". Aston University.

^۲ the International Association of Forensic Linguists

^۳ the International Association of Forensic Phoneticians

^۴ Journal of Forensic Linguistics

«زبان‌شناسی قانونی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که به بررسی چگونگی کاربرد زبان در حوزه‌های حقوقی و قانونی می‌پردازد. زبان‌شناسان قانونی می‌توانند در حل مسائل حقوقی که به نوعی با زبان مرتبط می‌شوند، متخصصان این حوزه را یاری دهند. مسائلی چون تشخیص صدا، تعیین هویت نویسنده مدارک مکتوب، عدم توازن قدرت در دادگاهها، ارتباط وکیل - موکل، ماهیت شهادت دروغ، تقلب در نام‌های تجاری، ترجمه مکالمات در دادگاهها، و تحلیل مکالمات ضبط شده از جمله مسائل مورد توجه زبان‌شناسان قانونی می‌باشند» (استاجی، ۱۳۸۳: ۳۸۰-۳۶۵).

آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) در کنفرانس انجمان زبان‌شناسی ایران، در مقاله «زبان‌شناسی حقوقی: رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی»، ضمن معرفی این حوزه علمی در بین اندیشمندان دانشگاهی، به تقسیم‌بندی موضوعی حوزه زبان‌شناسی حقوقی و کاربرد آن در حل پرونده‌های مرتبط با شکایات و مناقشات پیرامون سوءاستفاده از علائم تجاری کالا پرداخته است. در دو دهه اخیر در کشور ایران مقالات علمی پژوهشی بسیار و چند کتاب در حوزه زبان‌شناسی حقوقی به چاپ رسیده است.

در این مدت کوتاه با تجربه‌ای که متخصصان در این حوزه به دست آورده‌اند، این نتیجه حاصل گردیده است که قوانین و همچنین شرایط و مسئولیت‌های افراد در بافت حقوقی، ریشه در عوامل اجتماعی دارد و نمی‌توان در پژوهش‌های علمی در حوزه زبان‌شناسی حقوقی، تأثیر نظریه‌ها و رویکردهای علمی در علوم اجتماعی را نادیده گرفت. لذا اخیراً در کشورهای غربی، تحقیقات علمی پیرامون موضوع «بررسی زبان در موقعیت‌های حقوقی و قضائی» در حوزه forensic «زبان‌شناسی sociolinguistics» انجام می‌پذیرد. از آنجا که در کشور ایران معادل فارسی «زبان‌شناسی حقوقی» برای اصطلاح «forensic linguistics» «رایج شده است، لذا نگارنده این مقاله از معادل فارسی «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی» برای معرفی این حوزه علمی و بحث پیرامون موضوعات مرتبط با آن در فصل مشترک بین حوزه‌های «زبان‌شناسی حقوقی» و «زبان‌شناسی اجتماعی» استفاده نموده است. در حقیقت اندیشمندان و متخصصان این شاخه بینارشته‌ای، «زبان ارتباطی^۱» را پایه تحقیقات علمی قرار داده و از نظریه‌ها و رویکردهای سه حوزه زبان‌شناسی، حقوق و جامعه‌شناسی برای تحلیل «گفتمان‌های حقوقی^۲» استفاده می‌نمایند. گفتمان‌های حقوقی نوعی از «گفتمان‌های صنفی^۳» در بافت حقوقی می‌باشند و حیطه مطالعه آنها در حوزه «زبان‌شناسی کاربردی^۴» مطرح

¹ Communicative language

² Forensic discourses

³ Institutional discourses

⁴ Applied linguistics

گردیده است. «بافت حقوقی^۱» براساس تعریف ایدز^۲ (۲۰۱۰) بافتی است که در آن گفتمان‌های حقوقی حادث می‌گردد و با عوامل اجتماعی مرتبط هستند. به عنوان نمونه، دادگاه‌ها، مکان‌های بازجوئی در کلانتری‌ها، محیطی که در آن تعاملات بین وکیل و موکل برقرار می‌شود و محیط‌ها و موقعیت‌های مشابه، بافت‌های حقوقی محسوب می‌شوند. ایدز بافت حقوقی را گسترده‌ترین بدنی از تحقیقات علمی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی^۳ معرفی نموده است (ایدز، ۲۰۱۰، ص. ۱۹). ایدز (۲۰۱۰) بافت‌های حقوقی را مرتبط با نظام قانونی در هر کشور می‌داند. منظور از «نظام قانونی^۴» نیز رویه برقراری و اجرای قوانین مصوب در یک کشور است که در برخی موارد با دیگر کشورها متفاوت می‌باشد.

در بخش‌های پیش رو که از پژوهه علمی پژوهشی رساله دکتری استخراج گردیده، ابتدا به بیان مسئله و سپس به پیشینه مطالعات حوزه «زبان‌شناسی کاربردی» و شاخه‌های منشعب از آن تحت عنوانی «زبان‌شناسی اجتماعی» و «زبان‌شناسی حقوقی» و قرابت آنها با رویکرد نظری «زبان‌شناسی نقش‌گرا^۵» و «تحلیل گفتمان^۶» به دلیل توجه به زبان ارتباطی در جامعه پرداخته می‌شود. پس از آن حوزه علمی نوپای «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی» که بر بستر نقش‌گرایی و در حوزه زبان‌شناسی کاربردی به وجود آمده، معرفی و کاربرد یافته‌های آن در مجتمع حقوقی و قضائی مطرح می‌گردد. در خاتمه، مباحث مطروحه در این مقاله در بخش نتایج و پیشنهادات جمع‌بندی و ارائه می‌گردد.

۲- بیان مسئله

ابتدا حیطه فعالیت در حوزه «زبان‌شناسی حقوقی»، به تحلیل متون حقوقی خصوصاً رأی قضات در دادگاه‌ها محدود شده بود. در دو دهه گذشته به دلیل استقبال اندیشمندان از کاربرد نظریه‌های زبان‌شناسی در علوم قضائی، این حوزه تحقیقاتی، به رشتۀ‌ای دانشگاهی در کشورهای غربی و امریکا بدل گشت و زبان به عنوان رکن اصلی مباحث حقوقی معرفی شد زیرا هرگونه کاربرد زبان در بافت حقوقی و قضائی به رویدادهای کلامی و اسناد و آثار مكتوب زبانی در نظام قانونی تبدیل می‌گردد و قابلیت بررسی در حوزه زبان‌شناسی را دارد. نظر به گسترش و رشد روزافزون این حوزه علمی، حال این مسئله مطرح است که چه نظریه‌های علمی و روش‌های تحقیقاتی برای «تحلیل گفتمان‌های حقوقی» و تعامل با دستگاه قضائی پیرامون موضوعات زبانی مناسب هستند؟ آیا نظریه‌ها و رویکردهای علمی

¹ Legal context

² Diana Eades

³ "... the legal context for which there is the greatest body of sociolinguistic research ..."

⁴ Legal system

⁵ Functional linguistics

⁶ Discourse analysis

در دو حوزه «زبان‌شناسی» و «حقوق» جوابگوی نیاز «زبان‌شناسان حقوقی» در ارائه نظرات کارشناسی در رسیدگی به پرونده‌های قضائی و تحقیقات علمی می‌باشد؟ لذا در بخش‌های آتی به معرفی حیطه مطالعاتی و موضوعات زبان‌شناختی در این زمینه و لزوم توجه به حوزه نوپای «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی» پرداخته خواهد شد.

۳- پیشینهٔ مطالعات و چارچوب نظری

از آنجا که «زبان» یک پدیدهٔ انسانی و اجتماعی است، برای مطالعهٔ جامع و دقیق آن، بهره‌گیری از علوم مختلف ضروری به نظر می‌رسد. جان لاینز (۱۹۹۰) زبان‌شناس معاصر، قلمرو مطالعات زبان‌شناسی را به بخش‌ها و حوزه‌های متعددی تفکیک نموده است. «زبان‌شناسی خرد» نگاهی محدود به ویژگی‌ها و نظام زبان دارد و «زبان‌شناسی کلان» با دیدی کلی‌تر نسبت به زبان، به موضوعات مرتبط بین زبان‌شناسی و دیگر علوم هم می‌پردازد. حوزه‌های مختلف بین رشته‌ای از قبیل جامعه‌شناسی زبان، قومیت‌شناسی زبان، سبک‌شناسی زبان، زبان‌شناسی حقوقی و در مجموع ارتباط زبان‌شناسی با بسیاری دیگر از علوم، نمونه‌هایی از زبان‌شناسی کلان هستند.

از لحاظ ماهیت و نقش، زبان از دو منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد، از یک سو، زبان به عنوان وسیله‌ای که منعکس‌کنندهٔ عملکرد ذهن بشری است و مورد نظر زبان‌شناسان «صورتگرا» و «شناختی» است و در حوزه «زبان‌شناسی نظری» مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این منظر، زبان‌شناسان «جمله»^۱ را واحد بررسی‌های زبانی انتخاب و آن را به واحدهای کوچکتر تقسیم و بررسی می‌کنند و معتقدند که معنی و تفسیر در لایه‌های ساخت زبان قابل کشف هستند و در پژوهش‌های خود، «زبان درونی»^۲ را مدنظر قرار می‌دهند. زبان‌شناسان صورتگرا، رویکردی در زبان‌شناسی تحت عنوان «ساختگرایی» یا «ساختارگرایی» را ابداع نمودند که از طریق بررسی ساخت صوری زبان، به ساخت و محتوای زبان درونی پی می‌برند.

از سوی دیگر، زبان‌شناسان «نقشگرا» آن جنبه از زبان را مورد بررسی قرار می‌دهند که به عنوان ابزار ارتباطی بکار می‌رود و نسبت به عوامل محیطی و اجتماعی تأثیرگذار و تأثیرپذیر است. در دهه ۱۹۶۰ میلادی، با احیای تفکر اندیشمندان مکتب پراغ، رویکرد کارکردگرا تحت عنوان «نقشگرایی» در حوزه «زبان‌شناسی کاربردی» شکل گرفت. دو رویکرد «ساختگرایی» و «نقشگرایی» به عنوان دو تفکر غالب در زبان‌شناسی نوین، در دو حوزه «زبان‌شناسی نظری» و «زبان‌شناسی کاربردی»، اساس تحقیقات علمی عصر حاضر پیرامون موضوعات زبانی قرار دارند. «رویکرد نقشگرا»، زبان‌شناسی را با جامعه‌شناسی و «دستور زایشی چامسکی» که مبنای ساختگرایی دارد، زبان‌شناسی را با زیست‌شناسی

¹ sentence

² Internalized Language(I-Language)

عجین می‌کنند. این دو رویکرد، بسته به موضوع و قلمرو حوزه تحقیقاتی، در پژوهش‌های زبان‌شناختی به عنوان چارچوب نظری انتخاب می‌شوند. زبان‌شناسان نقشگراه ابتدا «متن» و سپس تحت تأثیر رویکرد تحلیل گفتمان، «گفتمان» را برای مطالعات زبانی انتخاب کردند و این رویکرد را «گفتمان بنیاد» معرفی نمودند. آنان توجه به بافت را مهمن می‌پنداشتند و معتقدند بافت بر مفاهیم زبانی تأثیرگذار است و فرانش‌های را برای زبان ایجاد می‌کنند. هر جمله زبانی نیز خود لایه‌های معنائی را در خود دارد و با تأثیری که از فرانشی خاص می‌گیرد، متن معناداری را تولید می‌نماید. توجه نقشگرایان به نقش زبان در جامعه و لزوم بررسی و تحلیل زبان ارتباطی موجب گردید توجه بسیاری از زبان‌شناسان به «جامعه‌شناسی» جلب گردد و به فصل مشترک این حوزه علمی و زبان‌شناسی پردازاند.

رونالد وارداف^۱ پروفسور و رئیس بخش زبان‌شناسی دانشگاه تورنتو^۲، در سال ۱۹۸۶ در کتاب «درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی»^۳ به بحث پیرامون ارتباط بین زبان و جامعه پرداخته است. نسخ بعدی کتاب وی در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ با بازنگری در شرح عوامل جدید مؤثر بر جامعه و تأثیر آن بر زبان ارتباطی به چاپ رسیده‌اند. هدف اصلی نویسنده در این کتاب، نشان دادن ارتباط تنگاتنگ زبان با فاکتورهای اجتماعی است. رونالد وارداف (۲۰۰۹) معتقد است که باید به نقش‌های متفاوت اجتماعی زبان بیشتر توجه شود. وی بین دو اصطلاح «زبان‌شناسی اجتماعی»^۴ به ارتباط بین زبان و جامعه با هدف درک بهتر ساخت و نقش زبان در بافت جامعه و تأثیراتی که زبان‌ها بر فرهنگ و جامعه و بر یکدیگر دارند می‌پردازد. در حالی که هدف «جامعه‌شناسی زبان»^۵ تلاش در کشف این است که چگونه ساخت جامعه از طریق بررسی زبان بهتر شناخته و درک می‌شود و چگونه ویژگی‌های زبانی برای مشخص کردن آرایش گروه‌های خاص اجتماعی استفاده می‌شوند. مطالعه تأثیرات عوامل اجتماعی مانند هنجارها و ناهنجارهای فرهنگی، توقعات اجتماعی و بافت‌های فرهنگی و اجتماعی بر نحوه استفاده از زبان و همچنین تأثیرات گوناگون جوامع بر ویژگی‌ها و مدل‌های زبانی آنان، در حیطه مطالعات جامعه‌شناسی زبان قلمداد می‌شود.

همسو با نظریه وارداف پیرامون زبان و جامعه و نقش عوامل اجتماعی از قبیل منطقه جغرافیائی، طبقه اجتماعی، قومیت، جنسیت، سن، تحصیلات و سبک، در ساخت، کاربرد و تحول زبان، در حوزه

¹ Ronald Wardhaugh

² Toronto University

³ An Introduction to Sociolinguistics

⁴ زبان‌شناسی اجتماعی

⁵ جامعه‌شناسی زبان

⁶ sociolinguistics

⁷ Sociology of language

«تحلیل گفتمان» نیز، نظریه زبان‌شناس انتقادی نورمن فرکلاف (۱۹۹۵) قابل تأمل است. وی معتقد است «زبان» یک عمل اجتماعی است که با سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه ارتباط دارد. فرکلاف زبان را بخشی از جامعه و فرایندی اجتماعی می‌داند و ارتباط زبان و جامعه را، ارتباطی درونی و تنیده در هم تصور می‌کند که بصورت پدیده‌های زبانی-اجتماعی نمود پیدا می‌کنند.

در دو دهه گذشته، یکی از موضوعاتی که در ارتباط با زبان و جامعه نظر زبان‌شناسان را به خود جلب نموده «گفتمان صنfi^۱ است. بطور کلی گفتمان‌ها شامل ویژگی‌هایی هستند که بطور آشکار یا پنهان به تکیه کلام‌ها و عملکرد صاحبان حرفه‌هایی خاص در جامعه مرتبطند و تحت تأثیر قواعد صنfi شکل می‌گیرند.

«اصطلاح گفتمان صنfi به نوعی از گفتمان اطلاق می‌شود که وابسته به موقعیت کاری و تخصص شغلی حادث می‌شود ... گفتمان‌های صنfi براساس نیازها و اهداف صنfi خاص تشکیل می‌شوند. افراد یک جامعه در مکالمات روزمره خود از موضوعات متعددی صحبت می‌کنند و مراودات شغلی و حرفه‌ای یکی از موضوعات مشترک مشارکت کنندگان در گفتمان‌های روزانه است. علاوه بر تبادل اطلاعات پیرامون محصولات و خدمات نهادهای صنfi، افراد پیرامون خبرهای ورزشی، سیاسی، اقتصادی، هواشناسی، جوک‌های رایج قومی و دیگر خبرهای روز با یکدیگر ارتباط اجتماعی برقرار می‌کنند و گفتمان‌های روزمره را می‌سازند. آنچه گفتمان صنfi را با گفتمان‌های روزمره اجتماعی تمایز می‌کند، حرفه محور بودن گفتمان‌هایی است که بین متخصصان یک نهاد شغلی و حرفه‌ای خاص برقرار می‌شود و اصطلاحات تخصصی- زبانی خاص در آن به کار می‌رود.» (کلتارد و جانسون، ۲۰۰۷: ۸-۷).

از آنجائی که موضوع مقاله حاضر بحث پیرامون فصل مشترک حوزه‌های زبان‌شناسی حقوقی و زبان‌شناسی اجتماعی است، لذا به این نکته اشاره می‌گردد که هر گونه «رویداد گفتمانی» اعم از کلامی یا آثار و اسناد مكتوب، در بافت حقوقی نوعی «گفتمان صنfi» محسوب می‌گردد که از یک سو با دستورالعمل‌های حقوقی درآمیخته و متمرکز بر نقش‌های صنف و نهادهای حقوقی در جامعه است و از سوی دیگر کاربرد زبان و اصطلاحات خاص در بافت حقوقی و مجتمع قضائی را منعکس می‌نماید. در گفتمان‌های حقوقی، واژه‌ها و اصلاحات تخصصی- زبانی قابل تشخیص و تفکیک از دیگر گفتمان‌های متدالوی می‌باشند و نمایانگر نوع گفتمان صنfi در رشتہ حقوق هستند. توجه به این موضوع باعث گردید تا زبان‌شناسان در حوزه «زبان‌شناسی حقوقی» به تحلیل متون حقوقی و بررسی ویژگی‌های زبانی آن بپردازنند. با گسترش این حوزه علمی، زبان‌شناسان حقوقی متوجه شدند که برخلاف گفتمان‌های متدالوی در جامعه، گفتمان‌های کلامی نیز در بافت حقوقی، به اندازه متون

^۱ Institutional discourse

نوشتاری از ساختار منظم برخوردارند (کلتارد و جانسون، ۲۰۰۷: صص. ۱۵-۱۴). این موضوع نیاز به یادآوری دارد که گفتمان‌های حقوقی نوعی از گفتمان‌های صنفی محسوب می‌گردند و گفتمان‌های صنفی ریشه در عوامل و مسئولیت‌های اجتماعی دارند. نحوه بکارگیری زبان در «نقش ارتباطی»^۱ در موقعیت‌های گوناگون در جامعه، مسئولیت‌های متفاوتی را برای افراد ایجاد می‌کند که اکثر این مسئولیت‌ها جنبه حقوقی دارند. این موضوع نشان می‌دهد که زبان‌شناسی حقوقی ناچار به استفاده از نظریه‌های علوم اجتماعی در انجام پژوهش‌های تحقیقاتی و اجرائی خود است.

۴- زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی

در دهه اخیر در دانشگاه ژشوف در کشور لهستان^۲ رشته‌ای دانشگاهی تحت عنوان «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی»^۳ در مقطع دکتری ایجاد گردیده است. در این حوزه علمی، فاکتورها و عوامل اجتماعی که به نوعی به تحقیقات آسیب‌شناسی جرائم و پیشگیری و حل مسائل قضائی مربوط می‌شوند، از منظر زبان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. از شارحان این حوزه دایانا ایدز^۴ است که در چند سال اخیر به پژوهش پیرامون موضوعات مشترک بین زبان‌شناسی حقوقی و زبان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه نیوانگلند در کشور استرالیا^۵ پرداخته است. وی با انتشار کتاب «زبان‌شناسی اجتماعی و روند حقوقی»^۶ در سال ۲۰۱۰، طی بررسی فاکتورهای اجتماعی تأثیرگذار بر زبان و همچنین موارد کاربرد و مشکلات زبان ارتباطی در بافت حقوقی، توجه اندیشمندان را به مباحث مشترک بین شاخه‌های زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی حقوقی جلب نموده است. این کتاب به منظور تدریس در دانشگاه تدوین گردیده و تمرکز اصلی آن بر بررسی ارتباط متقابل زبان و فاکتورهای اجتماعی و نحوه بررسی زبان در بافت حقوقی است. وی مدعی است که یافته‌های حوزه علمی زبان‌شناسی اجتماعی به موضوعات مطروحه در بافت حقوقی کمک می‌کند و روند حقوقی رسیدگی به پرونده‌های قضائی را سرعت می‌بخشد.

ایدز در فصل اول کتاب خود به ارائه تعاریف اصطلاحات تخصصی در این حوزه علمی پرداخته و در پایان این فصل از دانشجویان خواسته تا به تعاریف دو واژه «law»^۷ و «justice»^۸ و ترجمه این دو اصطلاح حقوقی در زبان‌های مختلف توجه نمایند.

¹ Communicative function

² The University of Rzeszow in Poland

³ Forensic sociolinguistics

⁴ Diana Eades

⁵ University of New England, Australia

⁶ Sociolinguistics and the Legal Process by Diana Eades (2010), Publisher: Multilingual Matters

⁷ حقوق

فصل دوم از کتاب به بررسی مکالمات در دادگاهها اختصاص دارد و در پنج بخش تفکیک گردیده است. ایدز بافت حقوقی را گسترشده ترین بدنۀ از تحقیقات علمی در حوزه «زبان‌شناسی اجتماعی» معرفی نموده است (ایدز، ۲۰۱۰: ۱۹). دو بخش از فصل دوم کتاب به بررسی پرونده‌های اختصاص دارد که در آن افراد با ویژگی‌های خاص در مجتمع قضائی به دفاع از خود و یا تشریح موقعیتی مبادرت ورزیده‌اند. به نظر ایدز، گروه‌های اجتماعی چون گویشوران دو یا چند زبانه، کاربران زبان اشاره و همچنین کودکان، اتباع بیگانه و افراد با فرهنگ ناهنجار در هنگام مشارکت در گفتمان حقوقی در موقعیت‌های قانونی، حقوقی و قضائی با دیگر گروه‌های اجتماعی از نظر کاربرد زبان، فهم و درک بافت موقعیتی و درک شدن از جانب مخاطبانشان متفاوت می‌باشند. لذا موضوع تأثیر متقابل زبان و گروه‌های اجتماعی بر یکدیگر و نقش آن در ارائه اظهارات مظنونین در دادگاهها و میزان درک کلام آنان توسط بازجویان و قضاط، قابلیت بررسی و ارزیابی به منظور تفکیک گروه‌های اجتماعی خاص از دیگر گروه‌ها را دارد. در بخشی دیگر از فصل دوم، ایدز به بررسی ارتباط بین زبان و قدرت و این که چگونه مکالمات دادگاهی بخشی از ارتباطات قوی اجتماعی است می‌پردازد. وی در پایان این فصل، دانشجویان را ترغیب می‌کند که به تحلیل گفتمان مکالمات واقعی در دادگاهها و بررسی تفاوت برداشتها در نظام قانونی بپردازند.

فصل سوم از کتاب، در دو بخش به «بافت جلسات بازجوئی پلیس^۲» اختصاص دارد. در بخش اول، مراحل مکالمات پلیس و بازجوشوندگان که توسط ایدز تفکیک و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱) مرحله به کارگیری زبان در موقعیتی که پلیس شخص مظنون را از حقوق خود مطلع می‌سازد.
- ۲) مرحله به کارگیری روش‌های زبانی که با استفاده از آنها، جلسات بازجوئی به صورت گزارش مکتوب خلاصه‌نویسی می‌شوند.

در بخش دوم از فصل سوم کتاب، گفتمان‌های حاصل از زبان بازجو در جلسات بازجوئی با مظنونین غیربومی که زبان بیگانه دارند، ناشنوايانی که از زبان اشاره استفاده می‌کنند، گویشوران زبان کریول^۳ و گویشورانی که در یک کشور از زبان بومی و محلی خاص خود استفاده می‌کنند، مورد بررسی و تحلیل زبان شناختی قرار گرفته است. در پایان این فصل، به زبان‌شناسان پیشنهاد گردیده که به عنوان کار تحقیقاتی و تمرین در این زمینه، به بررسی زبان افراد بومی و غیربومی در کشورهای انگلیسی زبان بپردازند.

¹ عدالت

² “the context of police interviews”

³ Speakers of Creole languages

ایدز در فصل چهارم از کتاب خود، به منظور بررسی گفتمان‌های حادث شده در بافت‌های حقوقی، به تحلیل تعاملات بین وکلا و موکلین و بررسی شاخص قدرت در اینگونه گفتمان‌ها پرداخته است. سپس در فصل پنجم به بحث پیرامون کاربرد حوزه علمی زبان‌شناسی اجتماعی در حل معظلات پیش رو در سیستم قضائی پرداخته و به استیضان‌گاهی پیشنهاد نموده که دانشجویان را به انجام پژوهش در خصوص جستجوی بی عدالتی‌ها، دقت در نگارش گزارش کارشناسان و موضوعات از این دست در این حوزه ترغیب نمایند. ایدز معتقد است می‌باشد نقش لهجه و گویش‌های زبانی در ارائه اطلاعات و پاسخگوئی به سوالات و همچنین تأثیر آن بر فهم و درک احضارشدن از حقوق قانونی‌شان مورد توجه قرار گیرد زیرا میزان فهم افراد از مکالمات، نحوه استفاده از زبان و توضیحات کلامی افراد در بافت حقوقی دادگاهها بر رأی قضات تأثیر دارد. وی همچنین یادآوری می‌کند که گروه‌های اجتماعی خاص که در جامعه در شمار اقلیت محسوب می‌شوند از جمله: معلولین ناتوان جسمی خصوصاً ناشنوایان، افراد دو یا چند زبانه، اتباع بیگانه در یک کشور، کودکان و مشایه اینگونه گروه‌های اجتماعی می‌باشد در جلسات بازجوئی از امکانات خاص از نظر زبانی برخوردار شوند.

۵- نمونه‌هایی از موضوعات پژوهشی در حوزه زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی

آنچه در حوزه زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی به نظر برجسته می‌آید، تحلیل گفتمان «رویدادهای زبانی» است که در وضعیت اجتماعی خاص، متأثر از نظام قانونی کشورها، به ظهور می‌رسند. به عنوان مثال یکی از موضوعات تحقیقاتی در این حوزه: تولد «لهجه‌ها و گویش‌ها»، «واژه‌ها و اصطلاحات زبانی» و «گفتمان‌های صنفی» بعلت مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی، اختیاری و اجباری، قاچاق انسان، انتقال یا مبادله اسرای جنگی، استقلال مناطقی از کشورها مثل جدا شدن کویت و بحرین از کشور ایران و استقلال کشورهای روسیه سابق می‌باشد. از دیگر موضوعات تحقیقاتی در این حوزه می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- تأثیر «شکنجه‌های زبانی» در جنگ‌ها، گروگان‌گیری‌ها، درگیری‌ها و بازجوئی‌ها،
- تحلیل واژه‌ها و متن‌های جنگ،
- نقش زبان در نشر ارزش‌های دفاع مقدس از طریق روایات و کتب،
- میانجیگری‌های بین‌المللی در قالب رویدادهای کلامی برای برقراری صلح،
- تدوین، ترجمه و تحلیل قطعنامه‌ها، معاهده‌ها، پیمان‌نامه‌ها،
- بررسی گفتمان‌های سیاسی و تأثیر آن‌ها بر افکار جامعه
- بررسی گفتمان‌های تبلیغاتی و تأثیر آن بر مخاطبین

این موضوعات و بسیاری موارد مشابه، همگی مسائل قانونی، حقوقی، قضائی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در پی دارند که پدیده زبان در تمام ابعاد آنها نهفته است و ریشه در زندگی اجتماعی بشر دارد.

هر یک از این موارد و بسیاری نمونه‌های دیگر که مجال پرداختن به آنها در این مقاله نیست، می‌توانند موضوع تحقیقاتی در حوزه زبان‌شناسی کاربردی در شاخه‌های آواشناسی و گویش‌شناسی، ساختواره، ساخت دستوری زبان، مطالعات ترجمه، سبک‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی حقوقی باشند و در حال حاضر در حوزه علمی زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی به عنوان شاخه‌ای بینارشته‌ای که مبنای زبان‌شناختی دارد، بررسی می‌گردد. کاربردی‌ترین شاخه علمی در حوزه زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی، آواشناسی است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۶- آواشناسی حقوقی اجتماعی

تا چندی پیش در حوزه آواشناسی، فعالیت زبان‌شناسان به بررسی صدای گفتار از لحاظ شیوه و محل تولید به منظور طبقه‌بندی آواها محدود می‌شد. همانطور که افراد از لحاظ جسمی با یکدیگر متفاوتند، اندازه و شکل دستگاه‌های گفتاری نیز در انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. هر فرد دستگاه گفتاری خاص خود را دارد، به همین دلیل از نظر خصوصیت و ویژگی‌های آوایی، تولید صدای گفتاری یک فرد با تولید صدای افراد دیگر متفاوت است. حتی اگر فرد صدای خود را تعییر دهد، از طریق دستگاه‌های آواشناس قابل شناسائی است. به تازگی به این نکته توجه گردیده است که دانسته‌ها در حوزه آواشناسی در علوم قضائی و انتظامی نیز قابلیت بهره‌برداری را دارند. حیطه این دانش در کشورهای غربی تحت عنوان «forensic phonology» و در ایران با عنوان «آواشناسی قانونی» و «آواشناسی حقوقی» مطرح گردیده است. استاجی ضمن معرفی شاخه علمی «آواشناسی قانونی» بخشی از ادعای گیبونز در مورد «کاربرد علم آواشناسی در تشخیص هویت» را در مقالات خود (۱۳۸۳) و (۱۳۸۵) مطرح نموده است. ظاهراً این حوزه، فضول مشترک بسیاری با «آواشناسی اجتماعی^۱» دارد. «آواشناسی اجتماعی» شاخه‌ای علمی است که به جنبه‌هایی از تفاوت‌های شیوه گفتاری در زبان می‌پردازد که از لحاظ اجتماعی اهمیت دارند. اندیشمندان علوم اجتماعی بر این باورند که بافت فرهنگی و اجتماعی نیز بر عملکرد اندام‌های گفتار و بر تلفظ و لهجه فرد و گویش‌های گروهی تأثیر دارد. با این اوصاف به نظر می‌رسد بستر ایجاد یک حوزه علمی میان‌رشته‌ای تحت عنوان «آواشناسی حقوقی اجتماعی»، به عنوان زیرشاخه «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی» در مجتمع علمی مهیا می‌باشد. در حال حاضر بسیاری از مجرمان به واسطه ویژگی‌ها و تفاوت‌های اصوات گفتار و از لحاظ لهجه و گویش‌های محلی، شناسائی می‌شوند. از تجزیه صدا می‌توان جنسیت، طبقه اجتماعی، تبعیت جغرافیائی

¹ Social phonology

و قومی، هویت فردی و حتی قد فرد را شناسائی کرد. تجزیه آوائی زبان، نیازمند مهارت و دانش خاصی است و در حال حاضر در کشور ایران، تعیین هویت، تشخیص وضعیت فرد در به کار بردن کلمات، تشخیص و شناسائی نژاد، سن، جنس، کشف هدف فرد از بیان مکالمات، و بسیاری موارد از این قبیل در مورد مظنونین، متهمین، مجرمین و شهود، توسط پزشکان قانونی، ضابطین و کارشناسان رسمی قوه قضائیه و دادگستری، کارآگاهان بخش جنائي و همچنین مهندسان دو حوزه مخبرات و فیزیک انجام می‌گیرد.

جان اولسون (۲۰۰۸) نقش علم آواشناسی در بافت حقوقی و مجامع قضائی را فراتر از این می‌داند و در فصل دوازدهم از کتاب زبان‌شناسی حقوقی، «آواشناسی حقوقی^۱» را شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی معرفی نموده و معتقد است تمام متون مکتب حقوقی از طریق کلام می‌توانند نقل قول، توصیه، تفسیر یا تعریف شوند و به متون حقوقی کلامی که مربوط به حوزه آواشناسی است تبدیل گردند. زبان‌شناسان در این حوزه، در بسیاری از پرونده‌های قضائی در کشورهای غربی و امریکا، به کشف حقیقت کمک نموده‌اند.

۷- نتایج و پیشنهادات

به منظور اثبات توان علمی و اجرائی و همچنین وسعت فعالیتهای زبان‌شناسان در مساعdet در حل پرونده‌های حقوقی و کیفری، در این مقاله از حوزه «زبان‌شناسی کاربردی» و شاخه‌های منشعب از آن تحت عنوان «زبان‌شناسی حقوقی» و «زبان‌شناسی اجتماعی» به عنوان بستر مطالعات علمی در این زمینه، و «رویکرد نقشگرایی» به عنوان مبانی نظری و «تحلیل گفتمان» به عنوان شیوه علمی متناسب با نظریه‌های مطرح در این حوزه‌ها یاد شد. از آنجا که «زبان ارتباطی» اصلی‌ترین ابزار در ارتباطات اجتماعی است و «گفتمان» وسیع‌ترین مفهوم ارتباطی بین انسان‌هاست، لذا این دو مفهوم، مبنای تحقیقات در حوزه «زبان‌شناسی نقشگرا» قرار دارند. تقریباً تمامی گفتمان‌ها در دو گروه «گفتمان‌های صنfi» و «گفتمان‌های متدالوی» قابل دسته‌بندی می‌باشند. «گفتمان‌های صنfi» نوع رسالت و وظائف سازمان‌ها و نهادها را در محتوای خود می‌گنجانند و به مخاطبان منعکس می‌نمایند. جامعه حقوق‌دانان، قانون‌گذاران، دادگاه‌ها، شوراهای حل اختلاف و تقریباً تمامی سازمان‌های دولتی و نهادهای عمومی و غیردولتی، بستر ساخت و به کارگیری واژه‌های تخصصی در جامعه و در نتیجه عامل تولید گفتمان‌های صنfi پیرامون مسائل حقوقی هستند. اینگونه گفتمان‌ها همزمان در دو حوزه «زبان‌شناسی حقوقی» و «زبان‌شناسی اجتماعی» قابلیت بررسی و تحلیل را دارند. به منظور اثبات این موضوع، دلایل و نظریه‌های اندیشمندان صاحب‌نظر در کتاب‌های به شرح ذیل ارائه شد:

- درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی، وارداف، ۲۰۰۹

¹ Forensic phonology

- زبان‌شناسی اجتماعی و روند حقوقی، ایدز، ۲۰۱۰
- زبان‌شناسی حقوقی، اولسون، ۲۰۰۸
- تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، ۱۹۹۵

در حال حاضر در دانشگاه ژوشوف در لهستان فصل مشترک این دو حوزه علمی، تحت عنوان «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی» در مقطع دکتری ایجاد شده است. مسئولین این رشته دانشگاهی معتقدند که نظریه‌ها و رویکردهای علمی در حوزه «زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی» برای تحلیل گفتمان‌های حقوقی و تعامل با ضابطین قضائی پیرامون موضوعات زبانی مناسب هستند. نگاه و درک جامعه‌شناسی در حل مسائل قانونی، موجب درک بیشتر افراد درگیر در مسائل و تسریع در حل پرونده‌های قضائی می‌گردد.

نظر به علاقه وافر زبان‌شناسان به دو حوزه زبان‌شناسی حقوقی و زبان‌شناسی اجتماعی و تلاش در اجرائی نمودن نظریه‌ها و رویکردهای این دو حوزه علمی در نظام قانونی و سیستم قضائی کشور ایران، پیشنهاد می‌گردد:

- پژوهشگران خصوصاً زبان‌شناسان به مفاهیم گفتمان صنفی، گفتمان حقوقی و رویدادهای زبانی در بافت حقوقی و شاخه‌های علمی زبان‌شناسی حقوقی، زبان‌شناسی اجتماعی، آواشناسی حقوقی و آواشناسی اجتماعی در حوزه نوپای زبان‌شناسی حقوقی اجتماعی، به دلیل کاربردی بودن موضوعات آن در جامعه و بافت حقوقی و قضائی بیشتر پردازند.
- ایجاد شاخه «آواشناسی حقوقی اجتماعی» نیز در حوزه زبان‌شناسی کاربردی به دلیل ضرورت بررسی «رویدادهای کلامی» در سیستم قضائی خصوصاً در بخش تجسس پلیس مدنظر قرار گیرد.

کتاب‌نامه

استاجی، اعظم (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی قانونی». مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، صص ۳۸۰-۳۶۵.

آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۲۱۵-۲۲۵.

شای، راجر دبلیو (۱۳۸۲). «زبان‌شناسی قانونی» (ترجمه اعظم استاجی). زبان‌شناسی، س ۲۰، ش ۲، صص ۱۶۳-۱۷۴.

Boor, M. and T. Bloor (2007). *The Practice of Critical Discourse Analysis, An Introduction*. New York: Oxford University Press.

Coulthard, M. and A. Johnson (2007). *An Introduction to Forensics: Language in Evidence*. London & New York: Routledge.

- Coulthard, M. and A. Johnson (2010). *The Routledge Handbook of Forensic Linguistics*. London: Routledge.
- Eades, D. (2010). *Sociolinguistics and the Legal Process*. UK: Multilingual Matters.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
- Gibbons, J. (1994). *Language and Law*. London: Longman.
- Gibbons, J. (2003). *Forensic Linguistics: An Introduction to Language in Justice System*. Oxford: Blackwell Pub.
- Gront, T. (2013). in "Centre for Forensic Linguistics". Aston University.
- Groot Gerard, R. (2003) *Language and Law*. The Netherlands: Maastricht University Press.
- Halliday, M. and C. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold.
- Lyons, J. (1990). *Language and Linguistics* (8thed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Olsson, J. (2003). *What Is Forensic Linguistics?* England: Nebraska Wesleyan University.
- Olsson, J. (2004). *Forensic linguistics: An Introduction to Language, Crime and Law*. London: Continuum.
- Olsson, J. (2008). *What is Forensic linguistics?* Forensic linguistics Institute, www.thetext.co.uk.
- Shuy, R. (1998). *Bureaucratic Language in Government & Business*. Washington D. C.: Georgetown University Press.
- Wardhaugh, R. (2009). *An Introduction to Sociolinguistics*. Oxford: Blackwell.